



هانس آلبرت

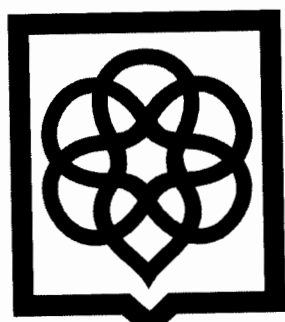
درآمدی بر عقل‌گرایی انتقادی

ریک هیلگن دُرف

مترجم: رحمان افشاری



طرح‌نو



طرح نو



سرشناسه: هیلگن دورف، اریک، ۱۹۶۰م. Hilgendorf, Eric, 1960 -| عنوان و نام پدیدآور:
هانس آلبرت: درآمدی بر عقل‌گرایی انتقادی / نویسنده اریک هیلگن دورف؛ مترجم رحمان افشاری؛
مشخصات نشر: تهران: طرح نو، ۱۳۹۹. | مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م. |
شابک: ۸-۱۳۲-۴۸۹-۹۶۴-۹۷۸ | وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا | یادداشت: عنوان اصلی:
Hans Albert zur Einführung, 1997 | موضوع: آلبرت، هانس، ۱۹۲۱م. -- نقد و تفسیر |
موضوع: Albert, Hans -- Criticism and interpretation | موضوع: عقل‌گرایی -- فلسفه |
موضوع: Rationalism -- Philosophy | موضوع: فلسفه آلمانی -- قرن ۲۰م. | موضوع:
Philosophy, German -- 20th century | شناسه افزوده: افشاری، رحمان، ۱۳۳۱- مترجم |
رده‌بندی کنگره: BA۲۳ | رده‌بندی دیویی: ۱۴۹/۷ | شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۲۸۲۸۵

عنوان: هانس آلبرت / درآمدی بر عقل‌گرایی انتقادی |
نویسنده: اریک هیلگن دورف | مترجم: رحمان افشاری |
ناشر: طرح نو | نوبت چاپ، سال انتشار: اول، ۱۴۰۰ |
شابک: ۸-۱۳۲-۴۸۹-۹۶۴-۹۷۸ |
طراح روی جلد: آرام یعقوبی | صفحه‌آرا: تیم ماهبوک |
لیتوگرافی: جامع هنر | چاپخانه: صبا |
شمارگان: ۵۵۰ نسخه | قیمت: ۷۹۰۰۰ تومان |
حق انتشار: همه حقوق محفوظ است |



هانس آلبرت

درآمدی بر عقل‌گرایی انتقادی

نویسنده: اریک هیلگن دُرف

مترجم: رحمان افشاری



انتشارات طرح نو

میدان انقلاب - کارگر جنوبی - مقابل پاساژ مهستان - پلاک ۱۲۵۱ - واحد ۴

تلفکس ۶۶۴۸۳۷۶۳

صندوق پستی ۱۳۱۴۹-۸۳۱۸۵

Tarh_e_no@yahoo.com

سایت: www.tarh-e-no.ir

اینستاگرام: @tarh_e_no.ir

مرکز پخش:

نشر و پخش کتابسرای میردشتی:

تهران - خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - بعد از لبافی‌نژاد - پلاک ۱۱ واحد ۱

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۶۰-۲



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Hans Albert zur Einführung

von Eric Hilgendorf.

Hamburg: Junius, 1997

درباره کتاب

هانس آلبرت Hans Albert (متولد ۱۹۲۱) مهم‌ترین نماینده عقل‌گرایی انتقادی در فلسفه آلمان است. به نظر او در تمام تلاش‌های بشر برای حل مسائل علی‌الاصول امکان خطا وجود دارد. این امر نه فقط برای علم، بلکه برای اخلاق و سیاست نیز دقیقاً صدق می‌کند. هر پیشنهاد برای حل مسئله صرفاً اعتباری موقت دارد و باید قابلیت خود را در عمل نشان دهد. در نتیجه باید آن‌ها را چنان طراحی کنیم که بازبینی نقادانه آن‌ها امکان‌پذیر باشد. تناوب طرح راه‌حل و نقد آن موضوع اصلی عقل‌گرایی انتقادی است.

درباره نویسنده

اریک هیلگن‌دُرف Eric Hilgendorf (متولد ۱۹۶۰) در رشته‌های فلسفه، حقوق و تاریخ جدید در شهر توینگن آلمان تحصیل کرد. در سال ۱۹۹۰ درجه دکتری فلسفه و در ۱۹۹۲ درجه دکتری حقوق گرفت و اکنون استاد حقوق در دانشگاه ورتسبورگ آلمان است. از او آثار متعدد در زمینه حقوق و فلسفه حقوق منتشر شده است.

سپاسگزاریِ مترجم

از ناشرِ فرهیختهٔ طرحِ نو، آقایِ حسینِ پایا، که ترجمهٔ کتابی دربارهٔ هانس آلبرت و عقل‌گراییِ انتقادیِ او را به این مترجم پیشنهاد کرد، از دوستِ عزیزِ ابوذرِ نجفی که تمامِ متنِ ترجمه را با اصلِ آلمانیِ آن به‌دقت مقابله کرد و نیز از آقایِ اردشیرِ منصوری که زحمتِ ویراستاریِ کتاب را کشید، صمیمانه تشکر می‌کنم. امیدوارم حاصلِ این همکاری به خواننده کمک کند تا با اندیشه‌های هانس آلبرت و عقل‌گراییِ انتقادیِ او بهتر و بیش‌تر آشنا شود.

توضیح: رسم‌الخطِ این کتاب مبتنی است بر قواعدِ فرهنگستانِ زبان و ادبِ فارسی، و کسره‌هایِ اضافه‌یِ آن مطابق است با نظرِ مترجم و نه ویراستارِ کتاب.

رحمان افشاری

پاییزِ ۱۳۹۹

فهرست

- ۱- مقدمه ۱۱
- هانس آلبرت و عقل‌گرایی انتقادی ۱۲
- عقل‌گرایی انتقادی و حلقه وین ۱۷
- نگاهی به روش ارائه مطالب ۲۰
- ۲- شمه‌ای از شرح حال هانس آلبرت ۲۳
- دوران جوانی و تحصیل در دانشگاه ۲۴
- آغاز فعالیت علمی به عنوان همکار علمی و مدرس دانشگاه ۳۰
- مناقشه پوزیتیویسم ۳۳
- ۳- مدل کلاسیک توجیه و مشکلات آن ۳۹
- جست‌وجوی نقطه ارسنمیدسی شناخت و سهرائه مونشهاوزنی ۴۰
- شناخت‌شناسی کلاسیک و مشکلات آن ۴۳
- فکر بازبینی انتقادی ۴۷
- کثرت‌گرایی نظری ۴۹
- ۴- مبانی علم‌شناسی نوین ۵۳
- گزاره جزئی و قانون ۵۵
- اثبات و ابطال نظریه‌های علمی ۵۹
- تبیین علمی و سایر امکانات کاربرد نظریه‌های (اجتماعی-) علمی ۶۱
- نظریه تطابقی صدق ۶۲
- جانشین‌های نظریه تطابقی صدق ۶۶
- ۵- علم‌شناسی نوین و ادعای استقلال علوم انسانی ۷۱
- علوم طبیعی و علوم انسانی ۷۲

فهم در برابر تبیین.....	۷۴
دلایل دیگری در دفاع از استقلال علوم اجتماعی.....	۷۷
ملاحظات درباره کل‌گرایی.....	۸۰
۶- بررسی انتقادی آلبرت درباره هرمنوتیک و پراگماتیسم استعلایی	۸۳
هرمنوتیک کلاسیک و هرمنوتیک عام.....	۸۴
نقد پراگماتیسم استعلایی بر سه‌راهه مونسهاؤزنی.....	۹۳
توجیه نهایی پراگماتیسم استعلایی.....	۹۸
۷- وحدت علوم اجتماعی.....	۱۰۳
وحدت علوم در پوزیتیویسم منطقی.....	۱۰۴
اقتصاد ملی.....	۱۰۸
علم حقوق.....	۱۱۲
۸- ارزش‌داوری‌ها.....	۱۱۹
مناقشه ارزش‌داوری و روش تحلیلی.....	۱۲۰
دستور زبان منطقی ارزش‌داوری.....	۱۲۲
ارزش‌داوری در علوم اجتماعی تا چه حد لازم است؟.....	۱۲۷
درباره مسئله ارزش‌گذاری به اعتبار عام.....	۱۳۱
۹- نقدگرایی و فلسفه عملی.....	۱۳۵
شناخت و تصمیم.....	۱۳۶
«آخرین اصول متعارف ارزشی» و نقدپذیری آن‌ها.....	۱۳۹
اصول پل‌های رابطه.....	۱۴۲
۱۰- ایده سیاستی عقلانی.....	۱۴۷
شکل‌های سنتی حاکمیت سیاسی و مفهوم ایدئولوژی.....	۱۴۸
نقدگرایی و سیاست عقلانی.....	۱۵۲
۱۱- مسیر ویژه اروپا به سوی جامعه باز و وضع فرهنگی زمان حال... ۱۵۷	۱۵۷
مسیر ویژه اروپا.....	۱۵۸

- محدودیت‌های نسبی‌انگاری فرهنگی ۱۶۰
- دین و جامعه ۱۶۳
- اخلاقِ نوع‌دوستیِ عملی ۱۶۶
- ۱۲- پی‌گفتار: عقل‌گرایی انتقادی، طرحی برای طرزِ زندگی؟ ۱۶۹
- ضمایم ۱۷۳
- یادداشت‌ها ۱۷۳
- منابع ۱۹۹
- ۱- منتخبی از منابع اولیه ۱۹۹
- ۲- منتخبی از منابع ثانویه ۲۱۱
- سال‌شمار ۲۱۳
- نام‌نامه ۲۱۴

١

مقدمه



هانس آلبرت و عقل‌گرایی انتقادی

هانس آلبرت^۱ در زمانهٔ ما معتبرترین آموزگار آلمانی‌زبان علم است و از تأثیرگذارترین فیلسوفان کشورهای آلمانی‌زبان به شمار می‌رود. نام او با «عقل‌گرایی انتقادی»^۲ یا «نقدگرایی عقلانی»^۳ گره خورده است، جریانی در فلسفهٔ نوین که به‌ویژه بر آرای کارل پوپر، فیلسوف و نظریه‌پرداز علم، متکی است. آلبرت تقریباً چهار دهه با پوپر ارتباطی نزدیک داشت و در اشاعهٔ فلسفهٔ «جامعهٔ باز» پوپر در آلمان بسیار سهمیم بود. وی همراه با جوزف آگاسی^۴، ویلیام و. بارتلی^۵، پل فایرابند^۶ متقدم، ایمره لاکاتوس^۷ و جان و. ن. واتکینز^۸ به نسل دوم عقل‌گرایی انتقادی تعلق دارد. علاقهٔ اصلی او به علوم اجتماعی است، لیکن به مسائل سیاسی و فلسفهٔ اخلاق نیز عمیقاً پرداخته و کارهایش بازتابی گسترده داشته است. به این ترتیب آلبرت در بسط عقل‌گرایی انتقادی فلسفهٔ علم و تبدیل آن به اسلوب تفکر با اعتباری عام نقشی اساسی داشته است؛ خود او حتی از «طرحی برای طرز زندگی» سخن می‌گوید.^[۱]

آلبرت همسو با پوپر معتقد است که تمام تلاش‌های بشر برای حل مسائل علی‌الاصول خطاپذیرند. این امر نه فقط برای علم، بلکه برای اخلاق و سیاست نیز دقیقاً صدق می‌کند. هر پیشنهاد برای حل مسئله صرفاً اعتباری موقت دارد و باید قابلیت خود را در واقعیت نشان دهد. از این رو پیشنهادها را باید چنان صورت‌بندی کرد که بازبینی نقادانه^۹ آن‌ها امکان‌پذیر باشد. تناوب «طرح و نقد»^{۱۰}، که به آن اشاره شد، موضوع اصلی عقل‌گرایی انتقادی است. آلبرت نقش ویژه و نیز استقلال روش‌شناختی علوم اجتماعی را قاطعانه رد می‌کند. پوپر

1- Hans Albert (1921-)

2- kritischer Rationalismus

3- rationaler Kritizismus

4- Joseph Agassi (1927-)

5- William Warren Bartley (1934-1990)

6- Paul Feyerabend (1924-1994)

7- Imre Lakatos (1922-1974)

8- John W. N. Watkins (1924-1999)

9- kritische Prüfung

10- Konstruktion und Kritik

پیش‌تر در دههٔ چهل سدهٔ بیستم فرض وجود قوانین ضروری و تاریخی تکامل را، که به‌ویژه در تفکر مارکسیستی رایج بود، به‌شدت نقد کرده بود و غیرقابل قبول بودن آن را نشان داده بود.^[۲]

این برنهاده‌ها به‌ناچار عقل‌گرایی انتقادی را در تقابل با نمایندگان فلسفهٔ سنتی آلمان و به‌ویژه نظریهٔ انتقادی^۱ قرار داد.^[۳] نمایندگان اصلی نظریهٔ انتقادی، ماکس هورکه‌ایمر^۲ و تئودور و. آدورنو^۳، میراث فکری ایده‌آلیسم آلمانی به‌ویژه هگل را به اصول موضوعه و تحلیل‌های سیاسی برگرفته از حال‌وهوای مارکسیسم پیوند زدند. از همین رو است که هربرت کویت^۴ نظریهٔ انتقادی را به حق «مارکسیسم هگلی» توصیف کرده است.^[۴] یورگن هابرماس^۵، از برجسته‌ترین نمایندگان نسل دوم نظریهٔ انتقادی، آموزه‌های هورکه‌ایمر و آدورنو را، البته با اصلاحاتی نه‌چندان جزئی، وارد سیاست روز کرد.^[۵] مناقشهٔ عقل‌گرایی انتقادی و نظریهٔ انتقادی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ سدهٔ بیستم فقط به محیط دانشگاهی محدود نشد، بلکه بخش گسترده‌ای از افکار عمومی را نیز دربرگرفت؛ اگرچه موضوع مناقشه ظاهراً گرد مسائل روش‌شناختی می‌چرخید — اغلب از آن با عنوان «مناقشهٔ پوزیتیویسم در جامعه‌شناسی آلمان»^۶ یاد می‌شود — اما بیش از همه اختلاف‌های سیاسی (واقعی یا فرضی) مناقشهٔ میان این دو مکتب را برای بخش گسترده‌ای از افکار عمومی جذاب کرد. هابرماس، یکی از پیشگامان نظریهٔ انتقادی، در سال ۱۹۸۱ به صراحت گفته است که اندیشهٔ فلسفهٔ تاریخ در نظریهٔ انتقادی به‌شدت به «سردرگمی در مفاهیم اساسی»^[۶] دچار بود. این دقیقاً همان ایرادی بود که آلبرت پانزده سال قبل از آن به آدورنو، هورکه‌ایمر و هابرماس گرفته بود. فروپاشی بلوک شرق نیز کار را تمام کرد و به عیان نشان داد که مارکسیسم هگلی «نظریه‌پردازان انتقادی» به‌شدت غیرانتقادی است.

1- Kritische Theorie

2- Max Horkheimer (1895-1973)

3- Theodor W. Adorno (1903-1969)

4- Herbert Keuth (1940-)

5- Jürgen Habermas (1929-)

6- Positivismusstreit in der deutschen Soziologie



خطِ فکریِ پوپر و آلبرت را به‌سختی می‌توان با مجموعه‌ای از برنهادهایی کاملاً مدون از سایر جریان‌های فلسفی تفکیک کرد. عقل‌گرایی انتقادی را می‌توان بیش از همه حاصلِ کارِ مشترکِ پژوهش‌گرانی دانست که فلسفهٔ کارل پوپر را راهنمای خود قرار دادند و از سه فکرِ اصلیِ زیرِ دفاع کردند و می‌کنند: اول **خطاگراییِ قاطع**^۱ که بر خطاپذیر بودنِ تمامِ تلاش‌های بشر در حلِ مسائل تأکید دارد، دوم **عقل‌گراییِ روشمند**^۲ که از اصلِ بازبینی انتقادی پیروی می‌کند و سوم **واقع‌گراییِ انتقادی**^۳ که به شناخت‌پذیری (هرچند خطاپذیر) جهان موجود و مستقل از ذهن بشر پایبند است. [۷]

بسیاری از طرفدارانِ عقل‌گراییِ انتقادی در همسویی با پوپر بسیار و شاید بیش‌ازحد زیاده‌روی کرده‌اند. آلبرت نیز البته خودخواسته در سایهٔ نسلِ پیش از خود باقی ماند، هرچند که آثارِ او از همان آغاز دست‌خطی مختصِ خود داشت. آرایِ فلسفیِ مشترکِ میانِ او و پوپر به‌هیچ‌وجه همه از پوپر نشئت نگرفته است. برایِ مثال فلسفهٔ اجتماعیِ انتقادی-عقلانیِ پوپر در امتدادِ سنتِ لیبرالیسمِ انگلیسیِ کسانی چون جان استوارت میل^۴ و برتراند راسل^۵ است، و نظریهٔ علمِ او نیز اساساً متأثر از بحث‌هایی است که در سال‌های بیست و اوایلِ دههٔ سی سدهٔ بیستم در حلقهٔ وین^۶ گردِ موریس شلیک^۷ و رودولف کارنپ^۸ جریان داشت. [۸] البته پوپر هیچ‌گاه به عضویتِ این حلقه درنیامد، اما او را می‌توان کاملاً متأثر از این حلقه دانست. [۹] اما اینکه پوپر منطقِ پژوهش^۹ خود را درست در نقد و بررسیِ نئوپوزیتیویسم^{۱۰} حلقهٔ وین نوشت، مغایرتی با این امر ندارد، زیرا بحثِ علنی و نقدِ همدیگر در حلقهٔ وین با شدتی غیرمعمول جریان داشت. [۱۰]

1- konsequenter Fallibilismus

2- methodischer Rationalismus

3- kritischer Realismus

4- John Stuart Mill (1806-1873)

5- Bertrand Russell (1872-1970)

6- Wiener Kreis

7- Moritz Schlick (1882-1936)

8- Rudolf Carnap (1891-1970)

۹- *Logik der Forschung* این کتاب به انگلیسی با عنوان *The Logic of Scientific*

Discovery و از انگلیسی به فارسی با عنوان *منطقِ اکتشافِ علمی* ترجمه شده است.

از این پس با همین عنوان از این کتاب یاد می‌شود. (مترجم)

10- Neopositivismus

خودِ پوپر بعدها به دلایلی که در اینجا نمی‌توان به آن پرداخت، همواره بر فاصله خود از نئوپوزیتیویسم حلقه وین تأکید کرده است. آلبرت و سایر عقل‌گرایان انتقادی در این زمینه از وی پیروی کردند؛ یکی از دلایل آن شاید این باشد که در آلمان لفظ «پوزیتیویسم»^۱ نه فقط در رایج سوم^۲، بلکه حتی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ سده بیستم به ناسزا تبدیل شده بود. نمایندگان نظریه انتقادی و طرفداران متافیزیکِ قدیم دانشگاهی از این حیث کاملاً هم‌نظر بودند. امروزه، به‌ویژه با کارهای ولفگانگ اشتگمولر^۳، در آلمان نیز درک متفاوتی از پوزیتیویسم و فلسفه تحلیلی ادامه‌دهنده آن حاکم شده است. از این رو چندان جفایی به پوپر نیست، اگر او را با مؤلفان حلقه وین مانند کارل گوستاو همپل^۴، هربرت فایگل^۵ یا ویکتور کرافت^۶ در یک ردیف قرار دهیم، هرچند که تأثیر پوپر در افکار عمومی طبعاً بسیار بیش از این افراد است. این شهرت بیش از همه مدیون فلسفه اجتماعی او است. جامعه باز و دشمنان آن^۷، که در سال ۱۹۴۵ انتشار یافت، به‌حق یگانه پاسخ جوامع لیبرال غربی به دو چالش بزرگِ تمامیت‌خواه سده بیستم فهمیده شد، کتابی که نه تنها باعث شناخته شدن پوپر فراتر از مرزهای تخصصی رشته‌های فلسفی شد، بلکه حتی سبب شهرت او نیز شد.

اصول جامعه باز حتی امروز هم پس از پیروزی بر دشمنانش کاملاً در امان نیست. از این رو دفاع از این اصول به‌هیچ‌وجه کهنه نشده است. با این حال به نظر من چندان معنا ندارد که عقل‌گرایی انتقادی را در درجه نخست فلسفه سیاسی یا اجتماعی تلقی کنیم. پوپر و آلبرت حداکثر برای سیاست شرایطِ مرزی معینی را صورت‌بندی کردند تا لیبرال بودن و باز بودنِ اساسیِ نظم اجتماعی را تضمین کنند. البته پیشنهادهای آن‌ها در این بین کمابیش قبولِ عام یافته است و از این رو

1- Positivismus

۲- Drittes Reich منظور سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ در آلمان است که هیتلر و حزبِ فاشیستی او قدرتِ سیاسی را در اختیار داشتند. (مترجم)

3- Wolfgang Stegmüller (1923-1991)

4- Carl Gustav Hempel (1905-1997)

5- Herbert Feigl (1902-1988)

6- Victor Kraft (1880-1975)

7- Die offene Gesellschaft und ihre Feinde

مشکل است بتوان میان عقل‌گرایی انتقادی و سایر جریان‌های فلسفی از این حیث خط فاصلی کشید. جالب‌تر از آن علم‌شناسی نقد‌گرایانه^۱ است. منطق/اکتشاف علمی پوپر یکی از مهم‌ترین آثار علم‌شناسی عام است و بر آن بسیار اثر گذاشته است. آلبرت نیز همین‌گونه در روش‌شناسی علوم اجتماعی تأثیر داشته است، هرچند که تأثیر او تاکنون اساساً به کشورهای آلمانی‌زبان محدود بوده است. به تعبیری می‌توان گفت که عقل‌گرایی انتقادی روش‌شناسی علوم اجتماعی است. ظرفیت و توان واقعی عقل‌گرایی انتقادی دقیقاً در همین جا است. [۱۱]

آلبرت را ملامت می‌کنند که فلسفه پوپر را در آلمان اشاعه داد، بی‌آنکه وارد بحث‌های درونی و مشکلات عقل‌گرایی انتقادی شود. [۱۲] واقعیت این است که آلبرت در بحث‌های پُرمناقشه مفهوم صدق یا حقیقت^۲، آموزه نزدیکی به حقیقت^۳ پوپر، در حملات «جامعه‌شناسی گرایانه»^۴ کوهن^۵، فایرلند و لاکاتوس یا نظریه سه جهان پوپر^۶ چندان شرکت نکرد. [۱۳] وی بیش‌تر به کاربرد نظام‌مند موضع اصلی انتقادی-عقلانی (با سه رکن خطاگرایی قاطع، عقل‌گرایی روشمند و واقع‌گرایی انتقادی) در همه مسائل علوم اجتماعی و دفاع از این موضع در برابر برنامه‌های رقیب، مانند تاریخ‌گرایی^۷، هرمنوتیک عام^۸ و پوزیتیویسم منطقی اولیه علاقه‌مند بود. البته آلبرت هیچ‌گاه همکار علمی پوپر نبود و همین امر به او امکان می‌داد تا گاه‌وبیگاه موضعی متفاوت و انتقادی اتخاذ کند، بدون آنکه این کار او به گسست [از پوپر] بینجامد. برای مثال آلبرت از نظریه سه جهان پوپر پیروی نکرد. اگر بخواهیم از تفاوت‌های آلبرت و پوپر مخرج مشترکی بگیریم، شاید بتوان گفت که آلبرت هرگز موضع اصلی و کاملاً طبیعت‌گرایانه خود را رها نکرد، حال آنکه پوپر متأخر را به‌سختی می‌توان طبیعت‌گرا^۹ به شمار آورد. [۱۴]

1- kritizistische Wissenschaftslehre

2- Wahrheitsbegriff

3- Wahrheitsnähe / approximation to truth نظریه تقرّب به حقیقت

4- soziologisch

5- Thomas Samuel Kuhn (1922-1996)

6- Poppersche Dreiweltenlehre

7- Historismus

8- Universalhermeneutik

9- Naturalist



عقل‌گرایی انتقادی و حلقه وین

عقل‌گرایی انتقادی در شرح زیر جریانی در درون فلسفه تحلیلی^۱ تلقی می‌شود. به این ترتیب می‌توان سه جریان بزرگ تفکر تحلیلی را در سده بیستم از هم تمیز داد: ۱- پوزیتیویسم منطقی^۲ با تمام تحولات بعدی آن. این تحولات در ایالات متحده به پراگماتیسم آمریکایی پیوند خورد و تا سال‌های ۶۰ سده بیستم نفوذی چشمگیر داشت. ۲- «فلسفه زبان متعارف»^۳ که متأثر از ویتگنشتاین متأخر بود و در سال‌های ۵۰ و ۶۰ سده بیستم به‌ویژه در آکسفورد طرفدار داشت. ۳- عقل‌گرایی انتقادی. خود آلبرت اصطلاح «فلسفه تحلیلی» را غالباً فقط برای تحلیل زبان نوع آکسفوردی به کار می‌برد.

این تقسیم‌بندی سه‌گانه این پرسش را پیش می‌کشد که آیا عقل‌گرایی انتقادی به پوزیتیویسم منطقی نزدیک‌تر است یا به فلسفه زبان متعارف. به نظر من مورد اول درست است؛ عقل‌گرایی انتقادی را از برخی جهات می‌توان حتی ادامه پوزیتیویسم منطقی تفسیر کرد. البته آلبرت مانند پوپر همواره بر فاصله خود از حلقه وین تأکید کرده است؛ دیدگاه‌های اصلی عقل‌گرایی انتقادی رد مبنای ثابت تجربی و رد استقراء‌گرایی^۴، نشان‌دن معیار ابطال‌پذیری^۵ به جای معیار اثبات‌پذیری^۶ (که در ضمن دیگر کارکرد معیار معناداری^۷ را ندارد، بلکه فقط برای تفکیک علم از متافیزیک به کار می‌رود)، ارزیابی مجدد قضایای متافیزیکی، بررسی ژرف مسائل سیاسی و دینی- با نظرگاه‌هایی که در اصل در حلقه وین نفوذ داشت، اساساً فرق دارد.

1- analytische Philosophie

2- logischer Positivismus

3- Philosophie der normalen Sprache / ordinary language philosophy فلسفه زبان عادی

4- Induktivismus

5- Falsifikationskriterium

6- Verifikationskriteriums

۷- Sinnkriterium نویسنده اصطلاحات به کاررفته در این فصل را در بخش‌های بعدی کتاب

توضیح خواهد داد. (مترجم)

با این حال نباید از یاد برد که مؤلفان حلقه وین نیز بر آموخته‌هایشان افزودند و خود را تکامل بخشیدند: «نگرش کاملاً علمی حلقه وین در مواجهه با مسائل مورد بحث این نتیجه را داشت که در آنجا یک آموزه واحد فلسفی پدید نیامد تا با تکیه بر توافق‌های همگانی میان تک‌تک نمایندگان این حلقه حاکم شود. این توافق فقط در نگرش اصلی فلسفی وجود داشت؛ اما چیزی مانند یک "اصل جزمی" فلسفی میان آن‌ها نبود.» [۱۵] بنابراین اصل ثابت در تفکر پوزیتیویست‌های منطقی پایبند بودن به اصول و برنهادهای غیرقابل تغییر نبود، بلکه توجه به برخی مسائل اصلی و نیز تلاش برای دستیابی به سبک تفکری روشن و منظم منطقی بود. پوپر و آلبرت این سبک تفکر و نگرش کاملاً علمی حامل آن را ادامه دادند. آن‌ها همچنین مسائل اساسی فلسفه نوپوزیتیویستی را پذیرفتند، مانند مسئله مرزبندی یا تمیز و مسئله استقراء؛ البته آلبرت به‌طور خاص کوشید تا طیف مسئله را نیز گسترش دهد.

التزام آلبرت به فلسفه‌ای علمی او را از اکثر جریان‌های وفادار به سنت ایده‌آلیسم آلمانی یا جادوی زبان‌هایدگری کاملاً جدا می‌کند. سعی آلبرت در آثارش این است که به بیش‌ترین وضوح و قابل‌فهم بودن دست یابد. او از هر نوع «ژرف‌اندیشی دروغین»^۱ بیزار است و هرگز از آشکار کردن این بیزاری ابایی نداشته است. بسیاری از نوشته‌های او حاوی تحلیل‌های مبسوط برنهادهای

۱ - Tiefenschwindel عنوان کتابی است از دیتر تسیمیر (Dieter E. Zimmer) در نقد روانکاوی و «روان‌شناسی ژرف‌نایی» فروید. وی تا آنجا پیش می‌رود که روانکاوی فروید را یکی از خرافه‌های سده بیستم می‌خواند. همان‌طور که دیده می‌شود Tiefenschwindel به قیاس Tiefenpsychologie (روان‌شناسی ژرف‌نایی) ساخته شده است و می‌توان آن را تحت‌اللفظی «سرگیجه ژرف‌نایی» ترجمه کرد. از سوی دیگر Schwindel در زبان عامیانه «حقه و دوزخ‌کلک» نیز معنا می‌دهد. هانس آلبرت با توسل به این اصطلاح قصد دارد از شفافیت و روشنی در کلام دفاع کند و با چیزی مخالفت کند که در فارسی معمولاً به آن «غموض کاذب» می‌گوییم. این اصطلاح را در اینجا «ژرف‌اندیشی دروغین» ترجمه می‌کنم، زیرا نویسنده در چند جمله بعد با توسل به صفت «ژرف» انتقادی به فلسفه هگل وارد می‌کند. (مترجم)

فلسفی است و گام به گام اعتبار و استحکام آن‌ها را بررسی و نقد می‌کند. این سبک کار برای بخش بزرگی از مخاطبان فلسفی آلمان غیرعادی و حتی بیگانه است. از زمان هگل فیلسوفان عادت کرده‌اند که «ژرف» و نامفهوم بنویسند؛ نشر متکلف نشانه‌ای از برتری عقلی دانسته می‌شود.

این شیوه بیان، همان‌طور که عقل‌گرایان انتقادی تأکید می‌کنند، به‌ویژه این امکان را ایجاد می‌کند تا دلایل ارائه‌شده (اگر اصولاً دلایلی ارائه شوند) کاملاً در تاریکی و ابهام بمانند و از چنگ بازبینی نقادانه بگریزند. [۱۶] به‌علاوه عبارات مبهم، اما گیرای بسیاری از فیلسوفان را می‌توان به شیوه کاملاً گوناگون تفسیر کرد؛ آن‌ها چنان ظرفیتی برای تفسیر و حتی همدلی فراهم می‌کنند که می‌تواند به‌حسب نیاز برای رضایت، تسلی یا تأیید پیش‌داوری‌های شخصی مورد استفاده قرار گیرد. البته کاملاً مشروع است که از فلسفه نه برای شناخت، بلکه برای ارضای نیازهای روحی استفاده شود؛ در فلسفه باستان به‌ویژه می‌توان شواهد گویایی از حکمت زندگی از نوع فلسفی یافت. اما صداقت فکری ایجاب می‌کند تا این دو هدف، شناخت و ارضای [نیازهای] روحی، کاملاً از هم جدا شوند. [۱۷]

کم نیستند طرفداران رشته‌های علمی که به بررسی‌های روش‌شناختی، آن‌گونه که آلبرت انجام می‌دهد، با دیده انکار یا دست‌کم شک می‌نگرند و مسائل روش‌شناختی را بی‌ثمر می‌دانند؛ از دید آنان روش موفق قابلیت خود را در عمل پژوهشی موفق نشان می‌دهد، تا آنجا که به نظر آن‌ها تأملات علم‌شناختی درنهایت زائد است. لیکن در مخالفت باید گفت که هیچ رشته علمی نمی‌تواند بدون قواعد روش‌شناختی از عهده کار برآید. موضع تساهل بی‌حدومرز روش‌شناختی اجازه می‌دهد تا هر ادعایی قابل قبول جلوه کند، زیرا در این صورت معیارهایی مانند اصل عدم تناقض، مضمون تجربی یا امکان تبیین وجود نخواهد داشت تا قابل قبول بودن و برتری بر نهادها و دلایل را نشان دهد. [۱۸] بنابراین نوعی روش‌شناسی دست‌کم ضمنی برای هر نوع فعالیت علمی ضروری است. اگر کسی درک کند که از قواعد روش‌شناختی نمی‌توان چشم پوشید،

در این صورت باید بپذیرد که چنین قواعدی را می‌توان آشکار کرد و هدف آن‌ها را مورد بررسی قرار داد. این امر دقیقاً بخشی از وظایف اصلی علم‌شناسی است. کسی که در مقام طرفدار رشته‌ای علمی از پژوهش اثباتی در برابر هرگونه تلاش برای تحلیل روش شناختی دفاع می‌کند، تنها نشان می‌دهد که مجموعه خاصی از قواعد را چنان درونی کرده است که دیگر قادر به بازاندیشی آن‌ها نیست.

نگاهی به روشی ارائه مطالب

در فصل‌های آینده مهم‌ترین موضوعات تفکر آلبرت معرفی می‌شوند. در این کار رشته کلام، به تناسب، بیش‌تر به دست خود آلبرت سپرده می‌شود تا خوانندگان با سبک و طرز استدلال او آشنا شوند. اما مواضع نویسندگان مورد انتقاد آلبرت نیز در صورت امکان از زبان خود آن‌ها بیان می‌شود. به منابع اصلی بعضاً با شرح و تفصیل اشاره شده است تا مطالعه بعدی متن‌های مهم امکان‌پذیر باشد. آلبرت با انبوهی از موضوع‌های مختلف دست‌وپنجه نرم کرده است، از حقوق و مسائل مربوط به روش‌های علوم اجتماعی متأثر از علم اقتصاد ملی گرفته تا مسائل فلسفه عملی و مسائل تاریخی و دینی، اما همه این تحلیل‌ها و موضع‌گیری‌ها با تعهد او به وحدت فراگیر خرد^۱ و همسویی با شیوه تفکر انتقادی-عقلانی گره خورده است.

در فصل‌های آینده موضوع‌های زیر یک‌به‌یک بررسی می‌شوند: فصل دوم نگاهی است اجمالی به شرح حال آلبرت که فقط مسیر زندگی یک فیلسوف مهم را نشان نمی‌دهد، بلکه بخشی از تاریخ اندیشه جمهوری فدرال آلمان را نیز بازگو می‌کند. فصل سوم به مدل کلاسیک توجیه، مسائل و مشکلات این مدل که در «سه‌راهه مونشهاؤزنی»^۲ به اوج می‌رسند، و نیز به راه حل آن‌ها با توسل به فکر بازبینی انتقادی و پلورالیسم نظری می‌پردازد. فصل چهارم به روش‌شناسی علوم اختصاص دارد و مروری کلی است در موضوعات اصلی علم‌شناسی نوین و پیشنهادهایی که از سوی عقل‌گرایی انتقادی برای حل آن‌ها ارائه شده است.

1- umfassende Einheit der Vernunft

2- Münchhausen-Trilemma سه‌حدی مونشهاؤزنی

فصل پنجم به دلایل آلبرت در رد ادعای استقلال علوم انسانی می‌پردازد، زیرا بسیاری از نمایندگان رشته‌های تاریخی و زبان‌شناسی تاریخی هنوز به آن باور دارند. فصل ششم به نقد آلبرت بر هرمنوتیک و دو روایت آن، یعنی «آموزه هنرِ فهم» کلاسیک و هرمنوتیکِ عام‌هایدگری و گادامری اختصاص دارد. علاوه بر این بررسی او از فلسفه تحلیلی زبان و کاربردشناسی استعلایی نیز مورد بحث قرار خواهد گرفت.

در فصل هفتم یکی از موضوعات اصلی آلبرت یعنی ایده وحدت علوم اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد. در این فصل از اندیشه وحدت در برابر رفتار به شدت متأثر از حریم شخصی بسیاری از نمایندگان رشته‌های علمی با ارجاع به برنامه طبیعت‌گرایانه شناخت دفاع می‌شود. مطابق این نظر علم اقتصاد ملی و علم حقوق نیز می‌توانند جزئی از علوم اجتماعی به‌شمار روند. دستور زبان منطقی ارزش‌دوری‌ها، تحلیل آن و یکایک مسائل مربوط به مناقشه معروف بر سر ارزش‌دوری‌ها موضوع فصل هشتم را تشکیل می‌دهد. آلبرت نشان می‌دهد که بررسی علمی مسئله بی‌طرفی ارزشی در علوم اجتماعی چگونه امکان‌پذیر است. در فصل نهم فلسفه عملی آلبرت مورد بررسی قرار می‌گیرد و روشن می‌شود که تعارض به‌ظاهر رفع‌ناشدنی شناخت و تصمیم چگونه به کمک «اصول پل‌های ارتباطی» مناسب به شیوه‌ای عقلانی و رضایت‌بخش رفع‌شدنی است. ایده «سیاست عقلانی» که آلبرت به تأسی از پوپر ارائه داده است، موضوع فصل دهم خواهد بود. در اینجا می‌توانم به کوتاهی اشاره کنم که این ایده در این بین کم‌وبیش قبول عام یافته است. فصل یازدهم به فهم آلبرت از مسیر ویژه اروپا به سوی «جامعه باز» و مواضع او درباره اوضاع فرهنگی زمان حال، به‌ویژه جایگاه دین می‌پردازد و به فراخوان آلبرت درباره اخلاق «نوع‌دوستی عملی» اشاره‌ای کوتاه دارد. سرانجام در فصل دوازدهم بار دیگر این پرسش مطرح می‌شود که آیا به عقل‌گرایی انتقادی، آن‌گونه که آلبرت آن را نظم بخشید و بسط داد، می‌توان مانند «طرحی برای طرز زندگی» نگریست. به این پرسش محتاطانه پاسخی مثبت داده می‌شود.

